



30 جنوری 2019

داکتر سید عبدالله کاظم

## تکلمه بر رساله "نقش فیلها در تاریخ افغانستان"

چند روز قبل رساله ای را تحت عنوان "نقش فیلها در تاریخ افغانستان" بقلم پروفیسور گونتر ناگی Gunther Nogge استاد در پوهنتون بن - آلمان خواندم که بوسیله دانشمند گرامی داکتر محمد داؤد رفیق پور از آلمانی به دری بسیار سلیس ترجمه و در پورتال وزین افغان جرمن آنلاين بتاريخ 17 جنوری 2019 به نشر رسیده بود. اعتراف میکنم که این رساله را از لحاظ موضوع در نوع خود بینظیر یافتم، زیرا در ارتباط با تاریخ همیشه سخن از اشخاص و رویدادهای مربوط به کارنامه آنها بوده، چه در نقش سلاطین و گردانندگان امور و چه به حیث غالب و مغلوب جنگها و چه به حیث عاملان ویرانگری و یا آبادانی شهرها و معمورهها و تمدنها. در این رساله برعکس صحبت از یک موجود دیگر است که در رویدادهای تاریخی نقش داشته ولی کمتر کسی به آن عطف توجه کرده است. در ساله ای گونتر ناگی سخن از نقش فیلها است که در طول تاریخ کشور در خدمت قرار داشته و وظایفی را عهده دار بوده اند.

به همین دلیل علاقه گرفتم تا به حیث تکلمه این موضوع نکاتی چند را برآن علاوه نمایم و این نوشته خود را محض به پاس قدردانی به آقای پروفیسور گونتر ناگی که پیشقراول این ابتکار است و محترم داکتر رفیق پور که یکی از محققان و دانشمندان نامدار افغان میباشد، اهداء نمایم. قابل یادآوری میدانم که استاد رفیق پور سه کتاب بینظیر دیگر را با همکاری دو استاد آلمانی تألیف و نیز آنها را به دری ترجمه نموده اند که هر یک گنجینه ای از دانش مسلکی و اختصاصی در ساحه گیاهان مختلف افغانستان شمرده میشوند و میکوشم این آثار علمی با ارزش و بکر ایشان را طی یک نوشته جداگانه برای علاقمندان معرفی دارم، اما در اینجا صحبت را به موضوع بحث اصلی یعنی نقش فیلها در تاریخ کشور مختص می سازم.

در تاریخ زندگانی بشر در جوار انسانها، حیوانات بخصوص حیوانات "بارکش" نقش بس مهم بازی کرده اند و وجود آنها در تکامل مدنیت امروزی غیرقابل انکار میباشد. تا قبل از جانشین شدن قوه محرکه توسط ماشین و استفاده از وسایل تخنیکی بخصوص موتر، همین حیوانات بارکش بودند که آنچه را زور انسان در حرکت و انتقال آن نمیرسید، آنها با تحمل و نظم اجراء میکردند. با آنکه نقش این حیوانات با پیشرفت تکنالوژی حالا بسیار کم گردیده، اما تا هنوز هم در بعضی کشورها و مناطق کم رشد جهان از جمله افغانستان اتکاء به حیوانات بارکش همچنان معمول میباشد. اسب، شتر، یابو (قاطر)، مرکب (خر)، گاو (در ساحات کوهستانی و سرد غزگاو) و نیز فیل از جمله حیواناتی اند که در تکامل تمدن بشر در طول تاریخ در خدمت انسانها بوده و وظایفی مهمی را انجام داده اند، بخصوص در افغانستان که به حیث یک کشور دشوار گذار - دارای کوه های مرتفع، دشت های وسیع و خشک و نیز اقلیم چهار فصل که در عین زمان طی اعصار مختلف معبر تجارت بین آسیای میانه و جنوب آسیا و همچنان یک شاخه ای بسیار مهم راه های قدیم ابریشم بوده است. با این خصوصیات

بارز که حیوانات بار بردار در هر قسمت در ساحه انتقالات نقش اساسی داشته اند، متأسفانه توجه محققان تاریخ در این موضوعات کمتر معطوف شده است.

داکتر گونتر ناگی یگانه دانشمندی است که در یک ساحه خاص یعنی نقش فیله در تاریخ افغانستان به تحقیق پرداخته است. او قدامت استفاده از فیل را در این مرز و بوم از زمان حملات اسکندر کبیر در سالهای 326 قبل از میلاد میداند، بدون آنکه سندی مشخص در زمینه ارائه نماید. در این ارتباط باید تصریح کرد که از نظر قدامت تاریخی یک سکه طلائی از آن زمان که در بین مکشوفات "میرزکه" در ولایت پکتیا در سال 1946 یافت شده است، یگانه شاهی مستند برای ثبوت این موضوع میباشد. عکس شماره (1) دو روی آن سکه را نشان میدهد که در یک روی آن فیل قوی هیکل با دو عاج آن و در روی دیگر سکه چهره اسکندر مقدونی که بر پشت سرش فیل را با خرطوم بلند در حال خیز نشان میدهد، ضرب زده شده است:



عکس شماره (1)

محقق افغان حامد نوید در کتاب "هنر افغانستان در عرصه تاریخ" شرحی دارد در زمینه و می نویسد: «اسکندر پسر فلیپ پادشاه مقدونی و ملکه مقتدرش اولمپیا از نوجوانی آرزو داشت تا پیکره مرمرین او بحیث فاتح جهان در پهلوی مجسمه های شکوهمند زیوس، آتنه، اپولو و هرکولیس در بزرگتری معابد خدایان افسانوی یونان برافراشته شود. فتح هند او را به این آرزویش نزدیک ساخت. از اینرو امر نمود تا مدالیون زرینی آراسته با کلاه خودی بشکل سر پیل [فیل] به افتخار پیروزی اش بر هند بسازند. بقول تاریخنگاران یونانی، هنرمندان یونانی که در سفر های اسکندر همراکاب بودند، سکه طلائی را در جایی در مشرق زمین به افتخار سکندر ضرب زدند، ولی وسیله ثبوت برای موجودیت این سکه طلائی که در هنگام حیات سکندر ایجاد شده بود، وجود نداشت؛ تا اینکه این سکه مهم بگونه تصادف در سال 1949 در میان گنجینه های زربفت میرزکه در ولایت پکتیا کشف شد و بدین ترتیب وسیله ثبوت برای یکی از مهمترین مقوله تاریخی از یکی از دهات دور افتاده افغانستان بدست آمد.» (نوید، حامد: "هنر افغانستان در عرصه تاریخ"، جلد اول: از عصر سنگ تا آغاز ادوار اسلامی، کالیفرنیا، 2018، صفحه 94) [عکس فوق در کتاب حامد نوید به چاپ رسیده است]

د پانو شمیره: له 2 تر 13

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولئ

گذشته از ذکر مختصر سوابق تاریخی فیل در دوره های مختلف، داکتر گونتر نوگی توجه بیشتر را به نقش فیلهای در فتوحات احمد شاه درانی در هند و بعداً در زمان تیمورشاه پسرش و باقی احفاد او و نیز در دوره سلطنت امیر دوست محمد خان و امیرشیرعلیخان و بعد از آن تا سلطنت محمدنادر شاه و نیز تا سالهای اخیر با موجودیت دو فیل در باغ وحش کابل بطور بسیار مختصر ادامه میدهد. در این ارتباط میخواهم با استفاده از مآخذ موجود، نکاتی را در شرح او، آنچه را به اختصار نوشته است، علاوه دارم که میتواند به حیث تکمله ای بر رساله ای او باشد.

اولتر از همه باید گفت که در افغانستان از فیل به مقاصد ذیل استفاده بعمل می آمد: برای انتقال وسایل جنگی، برای شکار، برای مظاهر دبدبه و پرستیژ، برای امور بارکشی عمرانی و نیز بعضاً به منظور تنبیه و مجازات سنگین که در اینجا با ذکر بعضی نکات مهم و تاریخی موضوع به استناد مآخذ پرداخته میشود:

وقتی اعلیحضرت تیمورشاه پسر احمد شاه بابا درانی بعد از 22 سال سلطنت بتاريخ هفتم شوال 1207 هجری قمری - 1172 هجری شمسی (معادل 1793 میلادی) در شهر کابل وفات کرد، پسرش زمان شاه به سلطنت رسید. او نخست طور خصوصی و بدون سر و صدا نزد یکی از مردان روحانی از خانواده مجددی ملقب به حضرت قیوم جهان که در عالم انزوا و خلوت زندگی میکرد و زمان شاه به او ارادت داشت، پای پیاده به خانه حضرت رفت و دستاری را با خود برد و از حضرت قیوم جهان خواست تا دستار شاهی را بر سرش ببندد و پس از برگشت به قصر بالاحصار، در فکر انعقاد جشن تاج پوشی افتاد تا سلطنت خود را در محضر عام رسمیت دهد. تدارک این جشن خاص به نوع مرسوم آن وقت گرفته شد و زمان شاه در روز موعود قبل از آنکه به تالار خاص رفته و برمسند پادشاهی رسماً جلوس کند، به سواری فیل خاصه برای اتحاف دعا بر مزار پدر خویش عازم چارباغ کابل شد، جائیکه همین حالا مقبره تیموشاه قرار دارد.

استاد احمد علی کهزاد در کتاب "بالاحصار کابل و پیش آمدهای تاریخی آن" در این مورد شرحی دارد از اینقرار: «میگویند در این روز عده از فیل هایی را که تیمورشاه از ملتان آورده بود، زینت نموده و حمایل گل بر سر و گردن آنها آویخته بودند و خود زمان شاه به سواری فیل خاصه که در زیر گل و حمایل غرق بود، از میان کوچه های بالاحصار کابل گذشت و به مزار پدرش رفت و به همین ترتیب به بالاحصار مراجعت کرد. حین عبور و مرور موکب شاهی از کوچه ها، اهالی شهر عموماً در دو طرف مسیر شاهی صف کشیده و مبارکباد می گفتند و شاه از حوزه [یا حوضه] فیل مشت مشت پول به هر طرف پخش میکرد... عندالوصول فیل سواری زمان شاه به دروازه بزرگ بالاحصار نفازه نواخته شد و دهل و سرنا به صدا درآمد، شاه در غرش توپ های شادمانه از فیل فرود آمد و در حالیکه جمعی از امرای دولت در گرد و نواحی او دیده میشدند و نزدیکتر او سردار پاینده خان بارکزائی و سردار رحمت الله خان کامران خیل سدوزائی و نورمحمد خان امین الملک بابری تشخیص می شدند، به تالار دیوان خانه بالاحصار نزدیک شد... زمان شاه در آنوقت 22 سال داشت که بار اول به تخت پادشاهی پدرش تکیه زد.» (کهزاد، احمد علی: "بالاحصار کابل و پیش آمدهای تاریخی آن"، چاپ جدید، پشاور، 1387ش، صفحه 292 - 294)

به همین ترتیب زمانیکه امیردوست محمد خان بتاريخ 26 جوزای 1242ش (9 جون 1863م) در هرات وفات کرد، پسرش شیرعلیخان در آنجا اعلام پادشاهی نمود و بسرعت روانه کابل گردید. میرزا یعقوب علی خافی در کتاب "پادشاهان متأخر افغانستان" در مورد ورود امیر جدید به کابل چنین

می نویسد: سردار محمد علیخان پسر امیر که حاکم شهر کابل بود، با ماموران ملکی و افسران نظامی و اهالی شهر به استقبال برآمدند، شهریان کابل از دروازه شهر تا حوالی "ده بوری" و لشکریان و افسران با حاکم شهر تا حدود قلعه قاضی پیش رفتند و در جاهای معین صف بستند. عندالورود موکب پادشاه یکصد فیر توپ شادپایانه زده شد. در داخل شهر زن ها و دخترها روی بامها برآمده با نعره های شادباش از وی استقبال کردند. امیر شیرعلیخان به سواری فیل کوه پیکر داخل کوچه ها و بازارهای شهر شده، در حالیکه با همه ابراز لطف و محبت میکرد، وارد بالاحصار گردید و در آن قلعه تاریخی بر تخت سلطنت جلوس نمود... (برای شرح مزید دیده شود - خافی، میرزا یعقوب علی: "پادشاهان متأخر افغانستان"، چاپ دوم، حوت 1377ش، پشاور، صفحه 65 تا 68)

چند سال قبل کتابی بدستم رسید که عنوان آن "سفارت روسیه تزاری به دربار امیر شیرعلی خان" است. این کتاب حاوی گزارش سفر رسمی یک هیئت وزارت مختاری روسی به شمول دو جنرال، یک توپو گراف و یک طبیب میباشد که در سالهای 1878 و 1879 به افغانستان سفر کردند و به دربار امیر شیرعلی خان رسیدند. نویسنده اصلی کتاب به زبان روسی داکتر یاورسکی (طبیب) بود که کتابش نخست در سال 1885 از روسی به آلمانی و سپس توسط استاد عبدالغفور برشنا از آلمانی به دری ترجمه شد و بار دوم در سال 2010 در پشاور به طبع رسید. در یک قسمت این کتاب نویسنده آن شرحی از اولین دیدار هیئت با مهماندار افغان دارد که با جمعی همراهان به سواری فیلهای به استقبال هیئت در حواشی شهر کابل آمده بودند. اوجریان را چنین شرح میدهد:

«از جانب مشرق یک تعداد سواران که در وسط آنها سه عدد جسم بزرگ در حرکت بودند، باعث حیرت ما گشت و باهم گفتیم فیل فیل...؛ مسافه بین ما و سواران بزودی کم شد و بعد از مرور چند دقیقه سر و شانه وزیر [مهماندار عالی مقام افغان] را که بر حوضه فیل نشسته بود [حوزه یا حوضه محفظه ای صندوق مانند است که بر پشت فیل برای نشستن میگذارند، چون شکل "حوضچه" را دارد، ممکن است آنرا به همین دلیل "حوضه" میگویند، اما در بسا مأخذ آنرا "حوزه" نامیده اند - کاظم]، بوضاحت دیده توانستیم. لحظه بعد مقابل همدیگر ایستادیم. فیل وزیر [افغان] زانو به زمین زده و او به وسیله یک زینه چوبی که از زمین تا پشت آن فیل میرسید، فرود آمد و ما نیز از اسب های خود پیاده شده یک یک به وزیر مصافحه نمودیم. بعد از اینکه جنرال [روسی] اعضای معیتی خود را به او معرفی کرد، جنرال و من بر حوضه های فیل نشستیم و دیگران بر اسپان سوار گشته براه افتادیم. چون مسافه تا قلعه قاضی خیلی دور نبود، بزودی به آنجا رسیدیم... از آنجا تا کابل بیش از شانزده کیلومتر راه نیست، فیل های ما را در نزدیک خرگاه به زانو در آوردند و ما بوسیله زینه به زمین فرود آمدیم... بعد از صرف طعام برای مشاهده فیلهای رفتیم که در زیر تپه ایستاده بودند، از جمله سه فیل - یک نر و دو ماده بودند... و متصل با گوشهای پکه مانند، خود را پکه میکردند و یا برای دفع مگس آنرا حرکت میدادند. از فیلبان پرسیدم که چرا فیل نر را به زنجیر و ماده ها را آزاد گذاشته اند، گفت: اگر نر را نیندیم، فرار میکند، مگر ماده ها نزدیک نر ایستاده و جایی نمیروند و گفتند که بر علاوه اینها، امیر ده فیل دیگر نیز دارد که دوی آن در قندهار و باقی در کابل میباشد. خوراک فیل مخلوطی است از نانهای کلفت گندم با روغن و مقداری شکر و سبزیهایی تازه [که نواله نامیده میشود]... بعضی فیلهای رفتار هموار دارند، مگر اکثر مانند اشتر رفتار تکان دهنده که باعث اذیت میگردند. فیل به قومانده راننده اش که برفرق سر او می نشیند، از زمین برمیخیزد و یا برعکس زانو به زمین میزند. حین رفتار آهسته و یا سریع به چپ و راست خود را می کشاند. فیل صاحبش [فیلبان] را با خرطوم بر پشتش بلند میکند. اشیای گران وزن را با خرطوم بر میدارد. قومانده ها غالباً

د پانوی شمیره: له 4 تر 13

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولی

به زبان هندی ادا میشوند، آله مخصوصی را که راننده [فیلبان] بدست میگیرد، عبارت از یک میل آهنی که یک نوک آن کج و نوک دیگر آن راست و در عین زمان تیز است. این میله برای راندن استعمال نمیشود، بلکه در صورت نافرمانی و خودسری برای تأدیب فیل از آن استفاده میشود.»

در ادامه نویسنده کتاب در مقدمات روز باریابی هیئت بحضور امیر شیرعلی خان که چگونه از آنها حین ورود در حواشی شهر کابل پذیرائی رسمی صورت گرفت، شرحی مبسوطی دارد که یک قسمت آنرا با اختصار تقدیم میدارم؛ او می نویسد: «وقتی به معیت مهماندار [افغان] از قلعه قاضی محل اقامت ما بازهم سوار فیل شدیم و بطرف شهرکابل حرکت کردیم، بعد از تخمین هشت کیلومتر سردار حبیب الله خان برادر امیر بربالای حوضه نهایت زیبا و فیل بس تنومند جسامی که نوک نیش های بلند و تابیده او با طلا پوش گردیده بود، با قطعه از سواران که لباس زره دار و خود [کلاه] های فلزی بر سر داشتند، در مقابل ما ظاهر شدند. حینیکه سواران بیکدیگر نزدیک شدند، برادر امیر و ما از فیلها فرود آمده بعد از تعارفات معمول، طوری بر فیلها سوار شدیم که جنرال با سردار و جنرال دیگر [بنام اورست] با وزیر و من با محمد حسن خان مهماندار بریک فیل دیگر قرار گرفتیم... وقتی از تنگی گذرگاه که دروازه شهر کابل در همین جا بود و هنوز دیوارهای کنگره دار آن در کوه های جنوب و شمال که از بین آن رود کابل عبور میکند، بخوبی معلوم می شد، میگذریم، لحظه به لحظه بر تعداد مردم تماشاچیان می افزاید... بعد از این تنگی، شهر تاریخی کابل با عمارات و باغهای پردرخت آن آغاز میشود. ما جانب شمال غربی داخل شهر گشتیم. بعد از طی یک مسافه سواران ما از پل سنگی با کتاره های چوبی گذشتند، مگر فیلها را نسبت به وزن گران آنها از داخل رود که در آنوقت سال آب زیاد نداشت، عبور دادند. بعد از آن راه ما یکسر بطرف شمال شهر رفته به میدان وسیعی رسیدیم که در آنجا قطعات عسکری مختلط از سوار و پیاده با شلیک سی و چهار فیر توپ از ما استقبال نمودند، باند موسیقی نغمات مارش را می نواخت و قطعات نظامی اول پیاده، سپس سوار و در اخیر توپهای صحرائی و کوهی با کالیبرهای مختلف از مقابل ما بانظم و دسپلین خاص میگذشتند. در ختم رسم گذشت، فیلها دوباره به راه افتادند و بسمت جنوب شرق شهر متوجه گشتند؛ بعد از لحظه تپه سبز بالا حصار کابل با دیوارهای بلند و سفید آن به فاصله یک کیلومتر نظر ما را جلب کرد... و سرانجام از راهیکه جانب دروازه بلند بالا حصار صعود میکرد، بدخل شهر رفتیم... بعد در جائیکه برای ما در بالا حصار تعیین شده بود، از فیلها پیاده شدیم...» (برای شرح مزید دیده شود: "سفارت روسیه تزاری به دربار امیر شیرعلی خان"، مترجم: عبدالغفور برشنا، چاپ دوم، پشاور، 2010، صفحات 149 تا 158) [مطالعه این کتاب برای کسانی که علاقمند آگاهی از چگونگی محیط زندگی آنوقت شهرکابل باشند، توصیه میشود - کاظم]

علامه محمود طرزی در کتاب خاطرات خود نیز شرحی در همین مورد دارد و تحت عنوان فرعی "روز آمدن سفیر روس" گزارشی از چشم دید خود را بیان میدارد که ذکر مختصر آن خالی از دلچسپی نخواهد بود. او می نویسد: «خاطره آن روز آمدن سفیر روسی هم یک مراسم پر دبدبه بود که نقش پذیر ضمیر عالم صباوتم گردیده مانده است... از چند روز پیشتر آوازه بود که یک ایلچی کلانی از دولت روس می آید. تیاریهای بسیار دیده می شد. یونیفورم های نو برای عسکر ساخته شد. راهها، جاده ها منتظم و هموار نموده شده بود. یک صبح وقت بود که به معیت حضرت پدر و رفقای بزم حضور برای توت خوردن و هم تماشای الای [مراسم] آمدن سفیر روس را دیدن به سوی باغهای توت دامنه کوه آسمانی که در کنار نهر درس و جوی شیر واقع است، رهسپار عزیمت شدیم... پرکها و بلوکهای [قطعات بزرگ و کوچک] عساکر نظامی برای مراسم استقبال فاصله به فاصله،

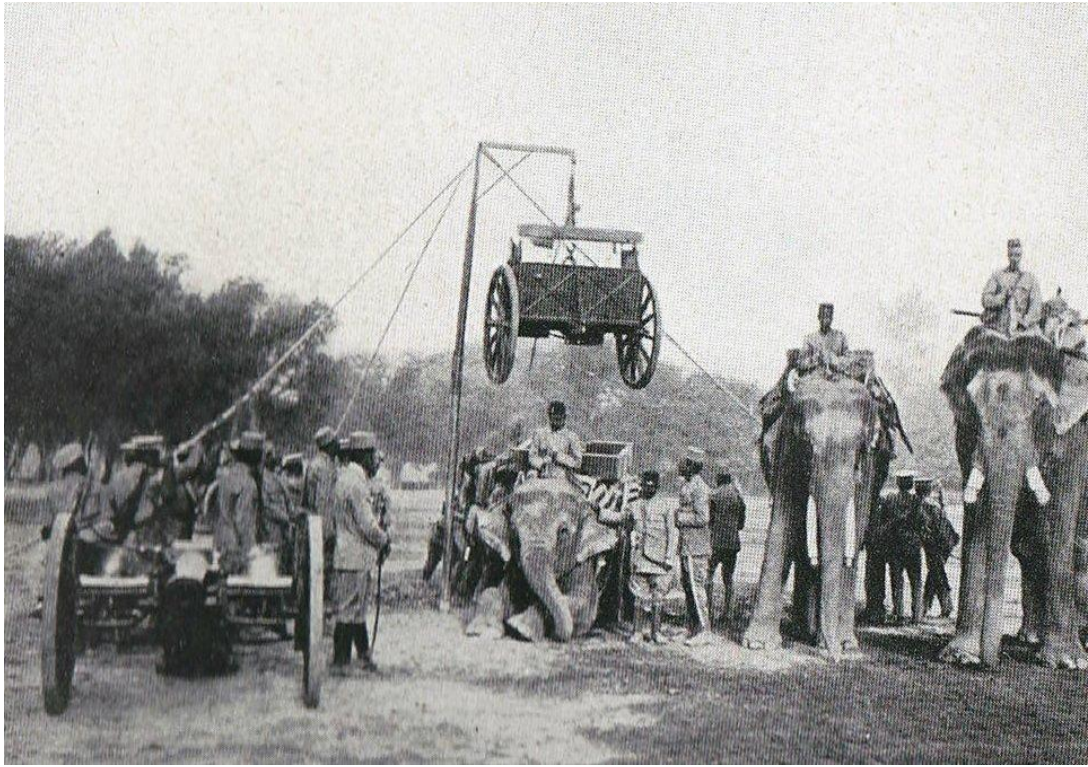
تفنگهای خود را کوت بسته انتظار می کشیدند. سفیر چون از راه گذرگاه چاردهی آمدنی و از راه خیابان کلان پل محمود خان به بالاحصار رفتنی بود، همه این راه ها دوطرفه با اهالی و عسکر پر شده بود. جاده ها و خیابانها را سقاء ها و باغبانها از هرطرف آب پاشی کرده می رفتند.»

طرزی پس از بیان ذکر مشخصات مختلف قطعات عسکری با نوع لباس و سلاح دست داشته شان که برای پذیرائی مهمان آماده رسم گذشت شده بودند [از شرح جزئیات آن در اینجا صرف نظر میشود - کاظم]، با ذکر این مطلب می پردازد که: «بعد از آن دو بلوک سواری اردلی یعنی عساکر خاصه مرور نمود که یونیفورم اینها خیلی نظربا بود. اسپهای اینها بور یعنی سفید، موزه های بلند چرم براق به پا، پتلونهای شان جیم سفید، جاکت ها یعنی کرتی های کوتاه شان از ماهوت گلنار لیس و چرمه دوزی، کلاه های شان مغفرهای برنجی پیک دار پرده درخشنده مزین بود. با کرچ های نیکی غلاف و تفنگ های کوتاه رساله بی آنوقت مسلح بودند. تا آنکه در بین دو صف عسکر پیاده خوی دریشی، فیلی که مخصوص سواری سفیر بود، پدیدار گردید. این فیل کلانترین و با تربیه ترین فیل های فیلخانه کابل بود که یک نام مخصوص هم داشت و درین وقت آنرا به یاد آورده نمیتوانم. با تمام زینت و سامانی که برای فیلهای سلطنتی آن وقت و زمان به کار بود، آراسته و پیراسته شده بود. یک حوزة [یا حوضه] بزرگ هشرخ نقره ئین بران نهاده شده بود که در پیش رو، سفیر فوق العاده روس بدست راست و سردار نیک محمد خان که قوماندان عساکر سواری خاصه هم بود، بدست چپ پهلوی همدیگر با یونیفورمهای بزرگ شان نشسته بودند. در عقب شان یک نفر قاضی پشاوروی که قبلاً ذکر شد، به پا ایستاده بود. بعد از آن دو سه فیل دیگر که بعضی سرداران و قوماندانان بران نشسته بودند و در عقب سواران با خوانین سوار و بار و بونه بسیار در گذشتند. تماشای الای سفیر آمدن به انجام رسید.» (برای شرح مزید دیده شود: "خاطرات محمود طرزی" گردآورنده داکتر عبدالغفور روان فرهادی، نشرات انستیتوت دیپلوماسی وزارت امورخارجه، کابل، چاپ اول، 1389، صفحات 71 تا 74)

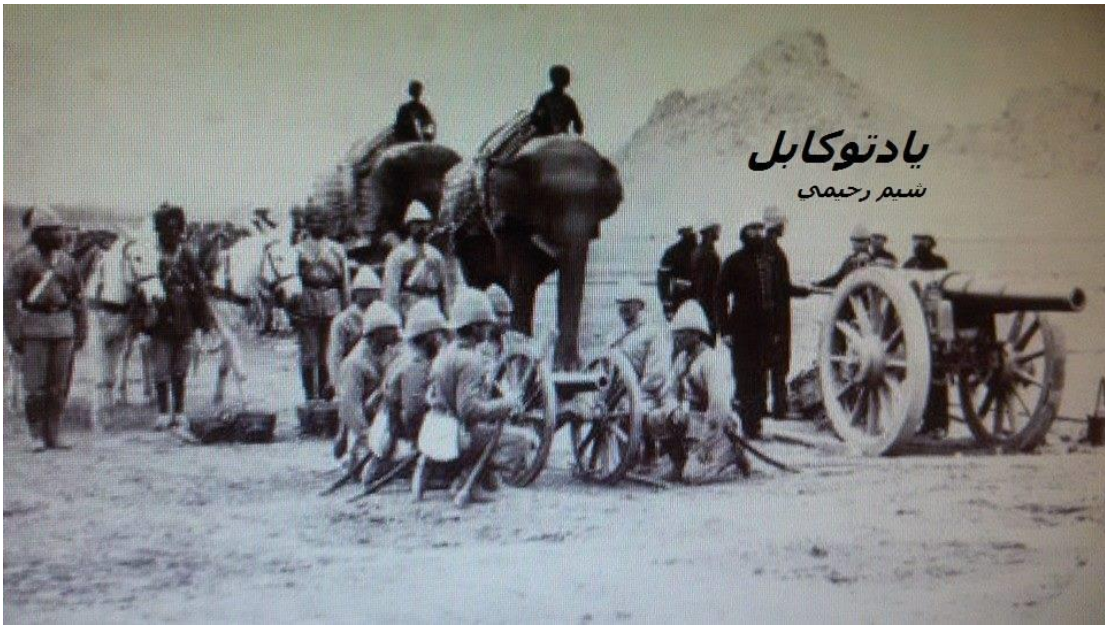
بر علاوه نکات فوق در باره اینکه درباریان کابل چگونه از فیلهای برای اشراف حیثیت و بزرگ جلوه دادن قدرت استفاده میکردند، مواردی دیگر نیز در رابطه با استفاده فیلهای در گذشته وجود دارند که از نظر نظامی، نقلیاتی و عمرانی حایز اهمیت بسزا میباشند که در اینجا با اختصار به ذکر چند مثال آن با تقدیم بعضی عکس های تاریخی و کمیاب بسنده میشود:

طوریکه در عکس شماره (2) دیده میشود، برای انتقال توپهای سنگین از فیلهای عظیم الجثه، قوی و بلند استفاده میگردد. برای بارکردن توپ به پشت فیل نخست فیل را به زمین نشانده و بعد بدون توپ را بوسیله یک جرثقیل ساده که روی یک پایه استوار است و توپ را ذریعه ریسمانها که از دوطرف آن کشیده میشوند، بر پشت فیل بالا کرده و آنرا با تسمه های چرمی روی حوزة [یا حوضه] فیل می بندند که بدینصورت فیل بوسیله نفر مؤظف که "فیلبان" نامیده میشود و بر فرق یا [کله] فیل سوار بوده و میله آهنی را در دست دارد، به فیل با زبان خاص قومانده حرکت میدهد. فیل طبق دستور به پا میخزد و بعد آماده حرکت بسمت مطلوب میگردد.

عکس شماره (2) یکی از عکس های بسیار نادر است که چگونگی بار کردن توپ های سنگین را بر پشت فیل نشان میدهد و به احتمال قوی در اواخر سلطنت امیر عبدالرحمن خان و یا اوایل سلطنت امیرحبیب الله خان سراج الملة گرفته شده است.



عکس شماره (2)



عکس شماره (3)

د پانو شميره: له 7 تر 13

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بني پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خير و لولئ

عکس شماره (3) مراحل مقدماتی بار کردن توپهای کوچک و بزرگ را بر پشت فیل نشان میدهد، طوری که در مرحله اول میله توپهای بزرگ از بدنه توپ را جدا کرده و بدنه را بر پشت فیل می گذارند و بعد میله را بلند کرده و بر بدنه توپ نصب میکنند. اینکار برای بار کردن توپهای نسبتاً کوچک لزومی ندارد، چون وزن آنها کم است و بدون مشکل میتوان آنها را بر پشت فیل بلند کرد.

عکس شماره (4) توپ های بارشده بر پشت فیلهای را نشان میدهد، طوری که فیل بزرگ، توپ بزرگ و فیل نسبتاً کوچک توپ کوچکتر را انتقال میدهند:



عکس شماره (4)

د پانو شمیره: له 8 تر 13

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلپکنی د لیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو لو مخکې په خیر و لولئ





### عکس شماره (5)

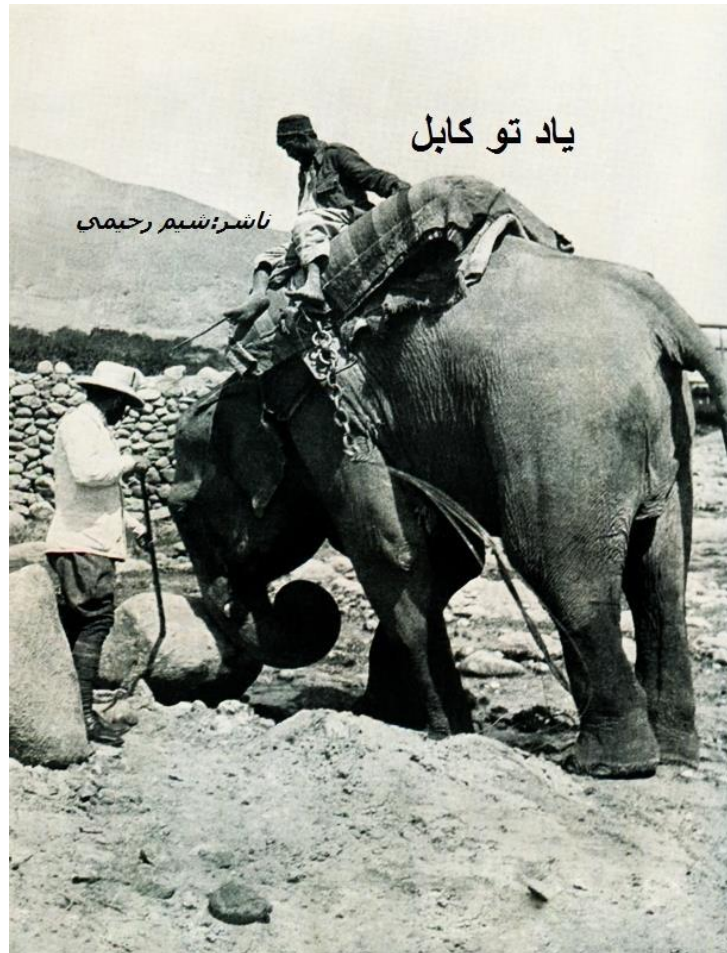
عکس شماره (5) نحوه ای دیگر استفاده از فیل را برای انتقال مواد ساختمانی و دیگر لوازم سنگین نشان میدهد، طوریکه فیل یک کراچی بزرگ دارای چهار عراده (دو عراده عقبی بزرگتر و دو عراده جلوی نسبتاً کوچکتر) را به شکلی می کشاند که کراچی در دو جناح با میله های قوی آهن مثل گادی وصل شده و میله ها هر یک به دو طرف فیل قرار داشته و انتهای آنها از یکطرف بر پشت فیل و ازطرف دیگر در قسمت جلو از ناحیه سینه فیل عبور و باهم بسته میشوند و فیل میتواند به سهولت عراده را بکشاند. در اینحالت بازهم فیلبان بر فرق فیل سوار و فیل را به طرف مطلوب امر حرکت میدهد.

به گمان اغلب که این کراچی ها از روی طرح کراچی های اسپانیایی که در زمان امیر عبدالرحمن خان به تعداد صد عراده از روسیه خریداری شده بود، در "ماشینخانه کابل" [فابریکه حرابی] ساخته شده بودند، ولی به نظر بعضی ها این کراچی ها را امیر از هند وارد کرده بود که تا سالهای بعد مورد استفاده قرار داشت.

د پانویس شمیره: له 9 تر 13

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلینکي د لیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکي په خیر و لولئ

عکس شماره (6) استفاده فیل را در امور ساختمانی و عمرانی به نمایش می گذارد، طوری که فیل سنگهای بزرگ را با خرطوم خود بلند کرده و از یک محل به محل دیگر انتقال میدهد.

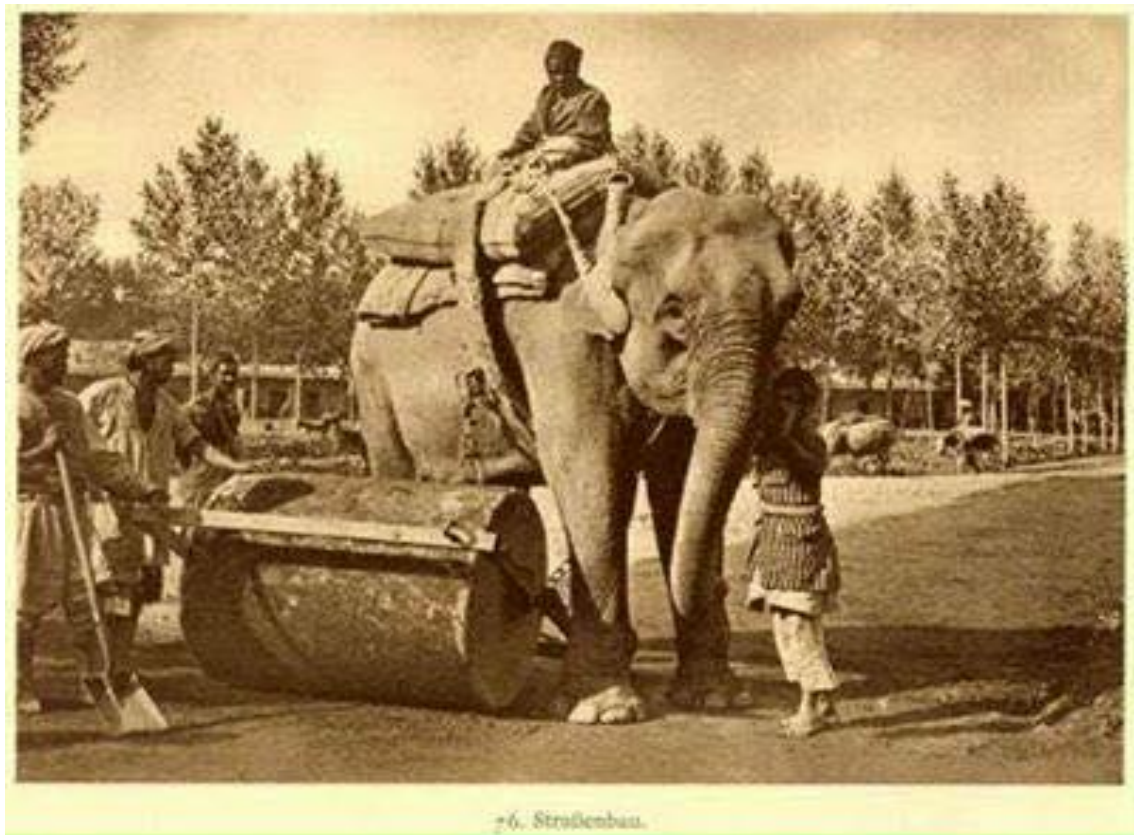


عکس شماره (6)

عکس شماره (7) استفاده از فیل را برای تسطیح سرکها نشان میدهد، طوری که سنگتراشان یک سنگ وزین و بزرگ را نخست به شکل یک "رولر" تراشیده و مرکز آنرا از دو طرف سوراخ کرده و میل آهنی قوی را که بصورت آزاد در داخل سوراخ حرکت کند، گذشتانده و دو نوک میله را با زنجیر وصل و آنرا به عقب فیل و یا جناح آن می بستند. فیل این رولر سنگین از عقب خود می کشانید و بدینوسیله سرک هموار و خاک سفت می شد. بعضاً این حرکت بطور جناحی صورت میگرفت، چنانکه در عکس نمایش یافته است. قابل ذکر است که یکی از این رولر های سنگی تاهنوز در باغ عمومی پغمان موجود میباشد؛ لازم است که آنرا به حیث یک نمونه تاریخی با نصب یک لوحه معلوماتی در یک محل خاص آن باغ به نمایش همیشگی گذاشت.

د پانو شمیره: له 10 تر 13

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاره ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولئ



### عکس شماره ( 7 )

علاوتاً شاهان و امراء بعضی از مخالفان پر قدرت خود و حتی کسانی را که مرتکب بغاوت و یا فساد بزرگ می شدند، برای تأدیب دیگران در محضر عام زیر پای فیل میکردند تا بطور فجیع به حیاتش خاتمه دهند. از همچو صحنه ها تصویری در دست نیست، ولی گزارش مختصر آن در بعضی مأخذ تاریخی ذکر شده اند. (کهزاد، احمد علی: "بالاحصار کابل"، ...، صفحه 390)

استفاده از فیل به مقصد شکار یکی دیگر از مواردیست که ارباب قدرت بخصوص امراء و پادشاهان از آن استفاده میکردند. در افغانستان یگانه امیری که فریفته شکار بود، امیر حبیب الله خان سراج الملة بود که بیشتر برای شکار پرندگان در نزارها بر حوزه فیل سوار و از آنجا به شکار می پرداخت. عکس شماره ( 8 ) صحنه گویایی از اینکار را به نمایش می گذارد. طوریکه در عکس دیده میشود چند شکارچی ماهر و تعدادی از عمه و فعله، امیر را حین شکار با چند فیل همراهی میکنند.

د پانو شمیره: له 11 تر 13

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاره ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولئ



### عکس شماره ( 8 )

در پایان قابل ذکر است که موتر برای بار اول در سال 1327 هجری قمری معادل 1288 شمسی (1909 میلادی) در عصر امیر حبیب الله خان بسراج الملة به کابل آمد و برای استفاده شخص امیر اختصاص داشت (فوفلزائی وکیلی، عزیزالدین: "فرهنگ کابل باستان"، جلد دوم، کابل، 1387، صفحه 845)، ولی از آن به بعد با اكمال کار احداث سرک موتر رو از جلال آباد و کابل که چند سال قبل آغاز گردیده بود، امیر همیشه برای مسافرت به آنجا از موتر کار میگرفت و به همین ترتیب به تعداد موتر های دربار افزوده شد. سال بعد برای اولین بار در تاریخ کشور چند عراده موتر بار بردار (لاری) نیز بین کابل و جلال آباد بکار انداخته شدند.

پس از احداث سرک کابل - جلال آباد انکشاف تدریجی سرک سازی در حواشی شهر کابل و بعداً سرک موتر رو بین کابل و قندهار در عصر شاه امان الله غازی زمینه استفاده از موتر های باربردار را قدم بقدم وسعت داد. چون در دیگر ساحات کشور هنوز سرکها آماده استفاده از موتر نبودند، لذا انتقالات بوسیله همان عراده (کراچی) های اسپیی که به تعداد صد عراده در زمان سلطنت امیر عبدالرحمن خان در سال 1289 شمسی از روسیه خریداری شده بودند، صورت میگرفت که

د پانو شمیره: له 12 تر 13

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولئ

ساحه استفاده آن محدود بود و بنابراین انتقالات اغلباً تا سالهای بعد در اطراف و اکناف کشور همچنان بوسیله حیوانات بارکش انجام می یافت. (دیده شود: سراج التواریخ، جلد چهارم، بخش اول، صفحه 293 و جلد چهارم، بخش سوم صفحه 430 و 431)

به همین دلیل فیلها نیز ولو نقش شان رو به تقلیل بود، اما باز هم تا ختم سلطنت شاه امان الله غازی همچنان در جوار وسایل تخنیکی جدید که تدریجاً وارد کشور گردیدند و در امور عمرانی و ساختمانی بکار گرفته شدند، در مواقع مخصوص مورد استفاده قرار می گرفتند، حتی سه چهار فیل از بقایای قبلی تا زمان سلطنت محمد نادرشاه نیز در فیلخانه دولتی در جوار بالاحصار موجود بودند. (پایان)

---

د پانو شمیره: له 13 تر 13

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ